

A Jurisprudential Analysis of the Concept of “Mahr al-Sunnah”¹

Abolhassan Bayati 

Graduate of Level Four of the Islamic Seminary of Qom

Email: ahhbayati@gmail.com



Abstract

One of the pillars of marriage is the specification of *mahr* (dower), which must have a defined amount. The sacred Islamic law introduces *Mahr al-Sunnah* as an Islamic tradition, which amounts to 500 legal dirhams. The central question of this study is: given the devaluation of silver following the shift from the gold and silver monetary system to the fiat currency system, how can the value of *Mahr al-Sunnah* be calculated in the present time? This applied study uses a library-based data collection method and employs descriptive-analytical analysis. Among the two assumed methods for estimating the value of *Mahr al-Sunnah*, the method based on calculating the value of Lady Fatimah al-Zahra’s (peace be upon her) dowry was deemed invalid due to changes in the production process and function of household goods. However, the method based on the valuation of gold—owing to its maintained economic standing—is proposed in this paper. By calculating the value of *Mahr al-Sunnah* in early Islam based on gold and aligning the weight of the Islamic *mithqal* (legal weight measure) with the views of contemporary scholars, the study concludes that the present-day value of *Mahr al-Sunnah* equals 214.625 grams of 22-karat gold.

Keywords

Calculation of dower, Value of dower, *Mahr al-Sunnah*, legal *mithqal*, fiat currency.

1. **Cite this Article:** Bayati, A. (2025). A Jurisprudential Analysis of the Concept of “Mahr al-Sunnah”. *Journal of Fiqh*, 32(121), pp. 41-71. <https://doi.org/10.22081/JF.2025.70726.2876>

* **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). ***Type of article:** Research Article

 **Received:** 2025/01/18 • **Revised:** 2025/02/22 • **Accepted:** 2025/05/18 • **Published online:** 2025/06/10



موضوع‌شناسی فقهی «مهرالسنة»^۱

ابوالحسن بیاتی 

دانش‌آموخته سطح چهار حوزه علمیه قم

Email: abhayati@gmail.com



چکیده

یکی از ارکان ازدواج، تعیین مهریه است که باید مقدار آن مشخص باشد. شریعت مقدّس اسلام، «مهرالسنة» را به عنوان سنت اسلامی معرفی کرده که ۵۰۰ درهم شرعی است. مسئله تحقیق حاضر این است که با توجه به کاهش ارزش نقره در پی تغییر نظام پولی طلا و نقره به نظام پول اعتباری، چگونه می‌توان ارزش مهرالسنة را در زمان حاضر محاسبه کرد؟ این تحقیق که از نوع کاربردی است، به گردآوری داده‌ها با روش کتابخانه‌ای پرداخته و تحلیل داده‌ها را با روش توصیفی - تحلیلی انجام داده است. از میان دو روش مفروض برای محاسبه ارزش مهرالسنة، روش محاسبه ارزش تجهیزیه حضرت زهرا (علیها السلام) به خاطر تغییر فرآیند تولید لوازم و کارکرد آنها مردود شناخته شد. اما محاسبه ارزش توسط طلا که منزلت اقتصادی خودش را حفظ کرده، مسیر پیشنهادی این نوشتار است. با محاسبه‌ی ارزش مهرالسنة در صدر اسلام براساس طلا، و معادل‌یابی وزن مثقال شرعی براساس نظر محققین متأخر، این نتیجه به دست آمد که ارزش مهرالسنة در زمان ما عبارت است از: ۲۱۴/۶۲۵ گرم طلای ۲۲ عیار.

کلیدواژه‌ها

محاسبه مهر، ارزش مهر، مهرالسنة، مثقال شرعی، پول اعتباری.

۱. **استناد به این مقاله:** بیاتی ابوالحسن. (۱۴۰۴). موضوع‌شناسی فقهی «مهرالسنة». فقه، ۳۲ (۱۲۱)، صص ۴۱-۷۱.
<https://doi.org/10.22081/JF.2025.70726.2876>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۹ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۱۲/۰۴ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۸ • تاریخ آنلاین: ۱۴۰۴/۰۳/۲۰



عنوان «مهرالسنة» که در باب نکاح آمده و حکم استحباب بر آن مترتب شده، از موضوعات منصوصی است که همزاد با شریعت مقدس مطرح شده است. این موضوع از موضوعات «مقیّد شرعی» است، که اساس آن به عنوان «مهریه»، موضوعی عرفی بوده و شریعت مقدس در اطلاق آن تصرّف کرده و آن را مقیّد به میزان معینی کرده است. لذا باید با روش اجتهادی، حدود و ثغور آن شفاف شود.

براساس روایات متعددی که مورد قبول فریقین است، در شریعت مقدّس اسلام، ۵۰۰ درهم به عنوان مهریه مطلوب، تشریح شده و «مهرالسنة» نام گرفته است. در روایات عامّه، مقادیر «۱۰ اوقیه» (۴۰۰ درهم)^۱ از ابوهریره (نسائی، ۱۴۱، ج ۳، ص ۳۱۴) و عروّة بن زبیر (نسائی، ۱۴۱، ج ۳، ص ۳۱۵)، «۱۲ اوقیه» (۴۸۰ درهم) از عمر بن خطاب (نسائی، ۱۴۱، ج ۳، ص ۳۱۴)، و «۵۰۰ درهم» (۱۲/۵ اوقیه) از عایشه (مسلم بن حجاج، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۱۰۴۲)، به عنوان سنت رسول خدا ﷺ در باب مهر نقل شده است. در سوی دیگر، روایات صحیحیه از طریق خاصّه، متّفقاً مهرالسنة را «۵۰۰ درهم» دانسته اند.^۲

اما مشکل، ارزش مالی اندکی است که این مقدار نقره در زمان ما پیدا کرده و تقریباً معادل ۲ سکه بهار آزادی است!^۳ لذا حتی از مهریه های رایج میان مؤمنین نیز کمتر خواهد بود! به طوری که به طور معمول ترجیح می دهند از معیارهای ذوقی و بدون ضابطه، همانند ۵ سکه و ۱۴ سکه و ... تبرّکاً استفاده کنند تا شأن اجتماعی شان رعایت شده باشد! آیا واقعاً مهریه ای با همین ارزش اندک به عنوان سنت تشریع شده است؟

مسئله ای که تحقیق حاضر به بررسی آن می پردازد این است که: با توجه به کاهش

۱. بلاذری نقل می کند: «قریش در زمان جاهلیت اوزانی داشتند که اسلام آنها را مورد تأیید قرار داد ... وزن دیگری به نام اوقیه داشتند که معادل چهل وزن درهم بود؛ و نش، به نصف آن، یعنی وزن بیست درهم اطلاق می شد» (بلاذری، ۱۹۸۸، ص ۴۴۸).

۲. مانند صحیحیه حماد بن عیسی (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱۰، ص ۷۰۷).

۳. مشهور فقها، مهرالسنة را برابر با ۲۶۲/۵ مثقال صیرفی از نقره می دانند؛ که البته بعد از این، نظر متفاوتی در این نوشتار اتخاذ خواهد شد.

ارزش نقره در پی تغییر نظام پولی طلا و نقره به نظام پول اعتباری، چگونه می‌توان ارزش مهرالسنة را در زمان حاضر محاسبه کرد؟

پیشینه تحقیق

پیشینه این تحقیق، گستره کتب فقهی است که در کتاب النکاح از میزان مهرالسنة سخن رانده‌اند لکن غالباً مهریه را براساس نقره محاسبه کرده‌اند و از سوی دیگر مثقال شرعی را سه چهارم مثقال صیرفی دانسته‌اند که با تحقیقات جدید منافات دارد. شفیع سروستانی و همچنین رمضانی، محاسبه مهرالسنة براساس طلا را به‌عنوان یک احتمال انجام داده‌اند، بدون آنکه استدلالی بر لزوم این نوع محاسبه بیاورند؛ افزون بر آنکه وزن مثقال شرعی را نیز براساس نظر مشهور فقها انجام داده‌اند (شفیع سروستانی، ۱۳۹۶؛ رمضانی و دیگران، ۱۳۹۷). مسعودی نیز احتمال محاسبه با طلا را مطرح کرده است لکن نسبت قیمی درهم و دینار را با نسبت وزنی آنها خلط کرده و ۵۰۰ درهم را معادل ۷۰ دینار دانسته است! و تفاوت وزن مثقال شرعی نزد قدما و متأخرین را نیز متذکر نشده است (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۹، ص ۱۱۲).

نوآوری نوشتار حاضر به نحو مانعة الخلو در نکات زیر است: اولاً سعی بر تحلیل و حل تعارض روایات در مقدار مهریه حضرت زهرا (علیها السلام) شده است؛ ثانیاً به تفاوت دیدگاه مشهور و متأخرین، در نسبت مثقال شرعی و صیرفی توجه شده و محاسبات براساس نظر تحقیقی متأخرین انجام شده است؛ ثالثاً تلاش شده تا ثبات ارزش طلا نسبت به پول اعتباری در طول تاریخ اثبات شود؛ رابعاً قدرت خرید مهرالسنة در صدر اسلام، از طریق طلا، برای زمان حال محاسبه شده است؛ خامساً و سادساً عیار سکه‌ها و حق ضرب آنها نیز در محاسبه لحاظ شده‌اند؛ سابعاً شبهاتی که پیرامون محاسبه ارزش مهرالسنة با طلا مطرح بوده، پاسخ داده شده است. مجموع این تلاش‌ها که منجر به محاسبه ارزش مهرالسنة در زمان حال شده، در هیچکدام از آثار موجود یافت نشد.

ضرورت انجام این تحقیق بدان خاطر است که اگر میزان دقیق مهرالسنة در زمان ما

مشخص نشود در مواردی موجب چالش خواهد شد که در برخی موارد، متعلق حکم وجوبی قرار گرفته است؛ اولاً در جایی که تعیین مهریه به زن سپرده می‌شود، در این صورت زن حق ندارد که بیش از مهر السنة را تعیین کند و اگر هم تعیین کند، مقدار زیادی اش نافذ نیست؛ ثانیاً در جایی که اصلاً مهری تعیین نشده است، باید مهرالمثلی که بیش از مهر السنة نباشد، به عنوان مهر قرار گیرد (شیری زنجان، ۱۴۱۹، ج ۲۱، ص ۶۸۲۵)؛ ثالثاً مهریه در عقود که پیش از این بر عنوان «مهرالسنة» منعقد شده است در محاکم کنونی براساس قیمت نقره محاسبه شده و مبلغ ناچیزی معین می‌شود، در حالیکه طبق این نوشتار، نمی‌توان براساس نقره محاسبه کرد و به جهت معین نبودن مقدار آن در محاکم، باید مهرالمسمی (که در قباله به عنوان مهرالسنة آمده) باطل شده و به مهرالمثل باز گردد؛ رابعاً در ترغیب جوانان به انتخاب مهرالسنة، اساساً باید از عدد مشخصی صحبت شود و اگر آنچه محاکم کنونی معین می‌کنند باشد، به جهت کم ارزش بودن آن، قابل ترویج و فرهنگ‌سازی نخواهد بود.

روش جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق، روش کتابخانه‌ای است، و نتایج به دست آمده به روش توصیفی - تحلیلی پردازش می‌شوند تا حل مسئله صورت گیرد.

بدنه مقاله نیز به شکل زیر سامان یافته است:

۱. اثبات استحباب مهرالسنة؛
۲. شاخص‌های محاسبه مهرالسنة؛
۳. ملاک محاسبه مهرالسنة در زمان ما؛
۴. محاسبه ارزش مهرالسنة در زمان ما.

۱. اثبات استحباب مهرالسنة

براساس صحیحه حسین بن خالد (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱۰، ص ۷۰۹)، خداوند به رسولش امر می‌کند که مهریه زنان امت را ۵۰۰ درهم قرار دهد و امر، ظهور در وجوب دارد. اما از سوی دیگر براساس صحیحه فضیل بن یسار از امام باقر (علیه السلام) که می‌فرماید: مهریه آن چیزی است که مورد توافق قرار بگیرد، چه کم باشد و چه زیاد (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱۰، ص ۷۱۵)،

معلوم می‌شود که امر در روایت اول، به نحو وجوبی نیست تا نافی مقادیر دیگر باشد؛ بنابراین ۵۰۰ درهم بودن مهریه، مطلوبیت استحبایی خواهد داشت.

۲. شاخص‌های محاسبه مهرالسنة

با توجه به تغییر نظام پولی طلا و نقره، مصداق «درهم» وجود ندارد؛ لذا باید با بررسی‌های نقلی - تاریخی، پدیده «درهم» به دقت شفاف شود تا در گام بعد، محاسبه ارزش آن در زمان حال میسر گردد.

۲-۱. «درهم»، درمَسَنگ یا سکه نقره

آیا «درهم» در روایاتی که مهرالسنة را با آن مشخص کرده‌اند، واحد وزن است یا سکه‌ای که از نقره ساخته می‌شود؟ چرا که «درهم» و «دینار» گاهی به معنای سنگ وزن، و گاهی به معنای مسکوکات نقره و طلا به کار رفته است (درهم، بی‌تا؛ دینار، بی‌تا). نکته قابل تأمل این است که به‌طور اساسی غیر از بعضی از انواع دراهم، و غیر از معاملات کم ارزش، معامله مردم با سکه درهم به‌صورت وزنی بوده است نه عددی! و این به خاطر عدم دقت در وزن و عیار^۱ دراهم بوده است (مالک و دیگران، ۱۳۷۵، ص ۲۰۱)؛ بنابراین پیش از آنکه درهم با وزن شرعی، ضرب رسمی شود (دوران عبدالملک)، هر گاه سخن از درهم به میان می‌آید، انصراف به درمَسَنگ دارد.^۲ غیر از برخی متون تاریخی که به این مطلب تصریح کرده‌اند (بلاذری، ۱۹۸۸، ص ۴۴۸)، جریان ربای معاملی در درهم و دینار نیز مؤید این معنا است؛ چرا که اگر درهم و دینار «معدود» باشند، ربای معاملی در آنها جریان نخواهد داشت^۳، و جریان حکم ربا مؤید «موزون» بودن آن است. عکس العمل راویان نیز مؤید دیگری بر مطلب است؛ چرا که با وجود

۱. عیار، واحد اندازه‌گیری خلوص آلیاژهای فلزات گران بها است.

۲. این انصراف به دلیل غلبه در استعمال می‌باشد که شواهد دال بر آن بیان شده است؛ و البته باید توجه داشت که بعد از ضرب رسمی درهم شرعی، با توجه به قرائن، مشخص می‌شود که مراد سکه است یا درمَسَنگ.

۳. مؤتقه زرارة: «لَا يَكُونُ الرِّبَا إِلَّا فِيمَا يُكَالُ أَوْ يُوزَنُ» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۹، ص ۷۵۴).

انواع سکه‌های درهم که از اوزان مختلفی برخوردار بودند، هیچ‌گاه نپرسیده‌اند «با کدام درهم؟» این برخورد نشان می‌دهد که با موضوع مشخصی مواجه بوده‌اند که نیاز به پرسش نداشته است؛ و این مطلب تنها در صورتی قابل توجیه است که سکه‌ها به صورت وزنی در معاملات به کار رفته باشند. لذا هر جا سخن از درهم رفته (از جمله در باب زکات)، «دِرَمْسَنگ» مورد نظر بوده که امری ثابت و غیر متغیر بوده است.

۲-۲. مهر السنّة، نقره خالص یا نقره مسکوک

مهر السنّة در برخی روایات با وزن اوقیه و در برخی دیگر با وزن درهم معرفی شده است؛ لکن آیا این وزن، از نقره خالص تشریع شده یا مسکوک؟ از آنجا که درهم، وزنی بوده که نقره را با آن می‌سنجیده‌اند (بلاذری، ۱۹۸۸، ص ۴۴۸)، و گفته شد که مراد روایات از درهم (حداقل پیش از دوران عبدالملک)، همان دِرَمْسَنگ می‌باشد، پس باید وزن ۱۲/۵ اوقیه یا همان ۵۰۰ دِرَمْسَنگ از نقره خالص مراد باشد. شاهد بر این مطلب آنکه امام باقر علیه السلام در صحیح زرارۀ، مهریه خاندان رسول خدا را این گونه مشخص کرده‌اند: «اثنتا عشرة أوقية ونش وهو وزن خمسمائة درهم من الفضة» (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۵۱۳). یعنی ۱۲/۵ اوقیه از نقره که معادل وزن ۵۰۰ درهم است (در اینجا هم چون تعبیر «وزن ۵۰۰ درهم» به کار رفته، پس مراد از «درهم» همان «دِرَمْسَنگ» است).

به نظر می‌رسد گرچه نقره مسکوک به خاطر ترکیب با فلزات کم‌ارزش‌تر، باید ارزان‌تر از نقره خالص باشد، اما از سوی دیگر به خاطر اضافه شدن حق ضرب به آن، کاهش قیمتش جبران می‌شود؛ بنابراین از عدم تصریح تک تک روایات به اینکه نقره خالص مراد است یا درهم مسکوک، اینچنین استظهار می‌شود که تفاوت قیمتی میان ۱۲/۵ اوقیه یا ۵۰۰ دِرَمْسَنگ از نقره خالص، و ۵۰۰ درهم مسکوک نبوده است. شاهد بر این استظهار، صحیح ابن سنان از امام صادق علیه السلام است که می‌فرماید: «مهریه زنان در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله ۱۲/۵ اوقیه بود که ارزش آن از سکه‌های نقره، معادل ۵۰۰ درهم است» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۳۵۶). در این روایت به صراحت بیان شده که ارزش مهر السنّة

برابر با ۵۰۰ درهم است؛ و چون این روایت از امام صادق (ع) نقل شده است و در زمان ایشان سکه اسلامی ضرب شده و رواج داشته، و اشاره‌ای به تفاوت ارزش قیمت زمان رسول خدا و خودشان هم نمی‌کنند، لذا ظهور در این دارد که با ۵۰۰ درهم شرعی ضرب شده در زمان عبدالملک و با همان عیار، هم ارزش است.

۲-۳. وزن درهم به اوزان امروزی

وزن هر سکه نقره در محاسبات شرعی (درهم شرعی)، برابر با یک درّه‌سنگ است که هفت دهم دینار یا همان مثقال شرعی (مثقال صدر اسلام) بوده است (مالک و دیگران، ۱۳۷۵، ص ۱۳۸).

و اما نسبت به وزن مثقال، غالب فقها فرموده‌اند (شیری زنجان، ۱۴۱۹، ج ۲۱، ص ۶۸۲۸) که نسبت مثقال شرعی به مثقال صیرفی (مثقال فعلی بازار) ۳ به ۴ است؛ و چون وزن مثقال صیرفی ۴/۶۰۸ گرم است، وزن مثقال شرعی ۳/۴۵۶ گرم خواهد بود. اما این وزن با نتیجه تحقیقات جدید که براساس سکه‌ها و سنجه‌های بازمانده از قرون سابق انجام شده، منطبق نیست و قوی‌ترین قول در باب وزن مثقال شرعی ۴/۲۵ گرم است (مالک و دیگران، ۱۳۷۵، ص ۱۸۰). بررسی منشأ این اشتباه نیازمند تحقیقی مستقل است.

بنابراین:

$$۵۰۰ \text{ درهم} \times ۰/۷ \text{ مثقال} = ۳۵۰ \text{ مثقال شرعی؛}$$

$$۳۵۰ \text{ مثقال شرعی} \times ۴/۲۵ \text{ گرم} = ۱۴۸۷/۵ \text{ گرم نقره}^۱$$

۲-۴. موضوعیت «نقره» در تعیین مهرالسنة

آیا محاسبه مهرالسنة بر مبنای «نقره» موضوعیت داشته یا تنها اشاره به یک مقدار ارزش مشخص بوده که می‌توانستند هر چیزی که قدرت خرید ۵۰۰ درهم را داشته باشد پرداخت کنند؟

۱. طبق نظر مشهور فقها در وزن مثقال شرعی، نتیجه ۱۲۰۹/۶ گرم از سکه‌های نقره خواهد شد.

استدلال اول: ظهور روایات در موضوعیت «نقره»

امام کاظم علیه السلام فرموده‌اند: «خداوند به نبی خود صلی الله علیه و آله وحی فرستاد که مهریه زنان مؤمنه را ۵۰۰ درهم قرار بده» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱۰، ص ۷۰۹). طبق ظاهر این دلیل^۱، عنوان «۵۰۰ درهم» سنت برای زنان امت رسول خدا صلی الله علیه و آله شناخته شده که نشانگر فرا زمانی بودن این حکم است و برای عدول از این ظهور، دلیلی اقوی لازم است.

پاسخ: روایات معتبره^۲ تصریح می‌کنند که مهریه حضرت زهرا علیها السلام، زره امیرالمؤمنین علیه السلام به همراه چند کالای دیگر بوده است، و رسول خدا که مأمور بودند مهریه زنان امت را ۵۰۰ درهم قرار دهند، می‌توانستند بعد از فروش زره و کالاهای همراه آن، مبلغش را که نزدیک ارزش مهرالسنة بوده (بحرانی، ۱۴۱۳، ج ۱۱، ص ۴۵۵) به‌عنوان مهریه قرار دهند! این مطلب نشان می‌دهد که ارزش ۵۰۰ درهم مهم است، نه اینکه لزوماً خود مهریه باید ۵۰۰ درمسنگ از نقره باشد.

۴۹

فقه

موضوع‌شناسی فقهی
«مهرالسنة»

مؤیدی بر پاسخ: تلقی بعضی از فقها نیز چنین بوده که ۵۰۰ درهم صدر اسلام، به‌عنوان یک مقدار ارزش مشخص بیان شده است؛ بنابراین در زمانهای بعد، که ارزش نقره در برابر طلا کم شده، افرادی همچون: شیخ مفید (مفید، ۱۴۱۳، ص ۵۰۹)، سید مرتضی (علم‌الهدی، ۱۴۱۵، ص ۲۹۲)، ابو‌الصلاح حلبی (ابوالصلاح حلبی، ۱۴۰۳، ص ۲۹۳)، سلار دیلمی (سلار دیلمی، ۱۴۰۴، ص ۱۵۲)، راوندی (قطب‌راوندی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۱۰۴)، ابن زهره (ابن زهره، ۱۳۷۵، ص ۳۴۸)، شیخ علی قمی سبزواری (قمی، ۱۳۷۹، ص ۴۴۵)، فاضل مقداد (فاضل مقداد، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۲۰۶)، شهید ثانی (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۳۴۴)، شیخ احمد آل کاشف الغطاء (کاشف الغطاء، ۱۴۲۳، ج ۴، ص ۱۳۹) فرموده‌اند: مهرالسنة می‌تواند ۵۰۰ درهم باشد یا ارزش آن، که ۵۰ دینار است؛ در این میان برخی همچون مرحوم آیت‌الله میرزا جواد تبریزی (تبریزی،

۱. با توجه به اینکه زوجه، مهریه را برای نگه‌داری به‌عنوان یادگاری دریافت نمی‌کرده تا ۵۰۰ درهم موضوعیت داشته باشد! بلکه به‌عنوان عوض دریافت می‌کرده تا از ارزش اقتصادی آن بهره‌برداری کند، می‌توان در ظهور این دلیل هم تشکیک کرد.

۲. همانند: مؤلفه ابن ابی عففور (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱۰، ص ۷۱۱) و صحیحہ ابومریم انصاری (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱۰، ص ۷۱۳).

۱۳۸۵، ج ۲، صص ۳۴۵ و ۳۴۹)، و آیت الله شبیری زنجانی (شبیری زنجانی، ۱۴۱۹، ج ۲۱، ص ۶۸۱۲ و ۶۸۲۹)، به صراحت این همانی برقرار کرده و فرموده‌اند: مهرالسنة ۵۰۰ درهم یا همان ۵۰ دینار است.

استدلال دوم: تغییر ارزش نقره در زمان معصومین علیهم‌السلام

اگر ۵۰۰ درهم در مهرالسنة موضوعیت نداشته و بیانگر یک قدرت خرید مشخص است، پس چرا در دوران معصومین علیهم‌السلام که قدرت خرید نقره کاهش داشته و گاهی تا یک پانزدهم طلا نیز رسیده (مالک و دیگران، ۱۳۷۵، ص ۱۴۶)، ائمه علیهم‌السلام مقدار آن را تغییر نداده‌اند و حتی امام جواد علیه‌السلام نیز مهریه دختر مأمون را مهرالسنة با همان ۵۰۰ درهم قرار دادند؟ (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۳۹۸).

پاسخ: ابتدا باید اثبات شود در طول زمان ائمه علیهم‌السلام قدرت خرید نقره کاهش مستمر (و نه نوسانی) پیدا کرده است؛ چراکه تغییرات نوسانی پس از رفع تنش در جانب عرضه یا تقاضا، برطرف شده و کالا به ارزش واقعی خودش برمی‌گردد. قرائنی وجود دارد که اولاً این تورم‌ها کوتاه مدت و نوسانی بوده و ثانیاً کاهش ارزش درهم، به خاطر تغییر وزن و عیار درهم‌ها بوده است و نه کاهش مستمر ارزش نقره (یوسفی، ۱۳۸۰). در صورتی که قرائن مزبور، مستدل را قانع نکند، لااقل ایجاد احتمال خواهد کرد، و إذا جاء الاحتمال بطل الاستدلال.

جمع‌بندی: پذیرش موضوعیت اجمالی

در پایان می‌پذیریم آن چیزی که همواره معیار سنجش ارزش مهرالسنة بوده، ۵۰۰ درهم است، نه مثلاً ارزش ۵۰ گوسفند؛ و خداوند با اینکه علم به تغییر ارزش نقره داشته است، باز هم ۵۰۰ درهم را به عنوان مهرالسنة قرار داده. اما از سوی دیگر، لازم نیست عین ۵۰۰ درهم به عنوان مهرالسنة قرار داده شود، بلکه ارزش ۵۰۰ درهم (۵۰۰ درق‌سنگ از نقره)، مصداق حقیقی مهرالسنة به شمار می‌رود.

۳. ملاک محاسبه مهرالسنة در زمان ما

موضوع حکم استجاب در باب مهرالسنة، ارزش ۵۰۰ درهم (۵۰۰ درمَسَنگ از نقره) است؛ اما برای محاسبه ارزش مهرالسنة در زمان حال، باید گام‌های زیر را طی کرد:

۳-۱. کاهش ارزش نقره

نقره به عنوان یکی از دو رکن نظام پولی دو فلزی (طلا و نقره)، به عنوان ابزاری برای سنجش ارزش کالاها، مبادله کالاها، و ذخیره ارزش استفاده می شده است. کارکردهای دیگری از قبیل زینت و ساخت ظروف و ... را نیز می توان برای آن برشمرد. پس از آنکه نظام پولی دو فلزی در قرن اخیر برچیده شد و پول اعتباری بدون پشتوانه طلا و نقره به دست دولتها خلق شد، نقره کارکردهای اصلی خودش (سنجش، مبادله و ذخیره ارزش) را از دست داد و با افت ارزش بسیار زیادی مواجه شد.

بنابراین با توجه به از دست رفتن منزلت اقتصادی نقره، نمی توانیم ارزش ۵۰۰ درمَسَنگ از نقره در زمان حال را به عنوان مهرالسنة قرار دهیم. ابن سنان در روایتی صحیح از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمودند: «كَانَ صَدَاقُ النِّسَاءِ عَلَى عَهْدِ النَّبِيِّ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ أُوقِيَةً وَ نَشَأَ قِيَمَتُهَا مِنَ الْوَرَقِ خَمْسُمِائَةَ دِرْهَمٍ؛ مهریه زنان در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله دوازده و نیم اوقیه بود که ارزش آن از سکه‌های نقره، معادل پانصد درهم است» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۳۵۶). این روایت که بر تمام روایات دیگر حاکم است، دلالت می کند بر اینکه معیار در تعیین مقدار مهرالسنة، ارزش ۱۲/۵ اوقیه است که قیمتش در زمان نبی خدا صلی الله علیه و آله ۵۰۰ درهم بوده است؛ بنابراین در صورت کم ارزش شدن نقره نسبت به سایر کالاها، باید ارزش و قدرت خرید آن در زمان نبی خدا صلی الله علیه و آله را لحاظ کرد و مقدار مهرالسنة را با طلا یا نقره یا پول رایج در زمان ما، معادل سازی کرد (موسوی خمینی، ۱۴۳۶، ج ۳، ص ۲۷۰).

اشکال: فرازمانی بودن اسلام

چون اسلام دینی فرازمانی است، پس قطعاً شارع مقدس تمام زمان‌ها و شرایط را

دیده و با این حال ۵۰۰ درهم را به عنوان مهرالسنة تشریع فرموده است، بنابراین باید ملتزم به اطلاق روایات شد؛ به این معنا که مهرالسنة ۵۰۰ درهم است چه ارزش نقره حفظ شود و چه کم ارزش گردد!

پاسخ اول: ظهور صحیح ابن سنان بر این بود که معیار در تعیین مهر السنة، قیمت و قدرت خرید آن در زمان رسول خداست که در آن زمان معادل ارزش پانصد درهم بوده است. اما در زمان ما باید آن مقدار از مالیت و قدرت خرید در نظر گرفته شود، و معادل آن مقدار قدرت خرید از پول رایج این زمان به دست آید، نه اینکه آن مقدار از نقره به عنوان مهر قرار داده شود.

پاسخ دوم: التزام به چنین اطلاقی تنها در صورتی صحیح است که تشریع مهریه را امری تعبّدی بدانیم که عقل و عرف، قدرت تشخیص مصلحت جعل آن را نداشته باشند! در حالیکه چنین نیست و همه می فهمند که مهریه، پیشکشی ارزشمند از جانب زوج به زوجه در هنگام ازدواج است و با ارزش بودن آن موضوعیت دارد. اما التزام به اطلاق روایات مستلزم آن است که در زمانهای متأخر، مبلغی ناچیز و بسیار کم ارزش به عنوان مهریه‌ی مورد نظر شارع مقدّس به زوجه پیشکش شود! لذا در مقام بیان بودن روایات نسبت به چنین اطلاقی قابل استظهار نمی باشد.

پاسخ سوم: در روایت معتبری از امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل شده است که فرمودند: «من دوست ندارم [و صلاح نمی بینم] که مهریه از ده درهم کمتر باشد؛ تا مبدا شیه اجرت زنان بدکاره گردد» (ابن اشعث، بی تا، ص ۹۳). تعلیل در این روایت به ما می گوید که اگر اصرار بر محاسبه مهرالسنة با نقره داشته باشیم ممکن است زمانی در عرف، به کمتر از اجرت زنان بدکاره هم برسد! چون نقره‌ای که در صدر اسلام یک دهم طلا ارزش داشت، اکنون ارزش آن به یک هشتاد و ششم طلا رسیده است!^۱

۱. در روز ۳ آبان ۱۴۰۳: هر اونس طلا ۲۷۱۲/۵۵ دلار و هر اونس نقره ۳۱/۳۱۱۴ دلار معامله شد که بر همین اساس نرخ برابری آنها محاسبه و در متن ذکر شده است.

۲-۳. روش محاسبه ارزش مهرالسنة در زمان حال

برای محاسبه ارزش مهرالسنة در صدر اسلام شاید از این دو راه بتوان اقدام کرد:
راه اول، محاسبه ارزش جهیزیه حضرت زهرا (علیها السلام) که با مهریه ایشان خریداری شده بود.

راه دوم، محاسبه ارزش مهرالسنة در صدر اسلام، براساس معادل آن از طلا.

۱-۲-۳. راه اول: معادل سازی جهیزیه حضرت زهرا (علیها السلام)

از آنجا که مشهور در عرف اینست که مهریه حضرت زهرا (علیها السلام)، مهرالسنة بوده است و با همان مهریه، جهیزیه ایشان خریداری شده است، لذا اولین راهی که برای محاسبه ارزش مهرالسنة ممکن است پیشنهاد شود، محاسبه ارزش امروزی اقلامی است که به عنوان جهیزیه برای حضرت زهرا (علیها السلام) خریداری شده است؛ اما مشکل اینجاست که در باب مهریه حضرت زهرا (علیها السلام) پنج قول مطرح است:

۱. ۴۰۰ مثقال نقره

۲. ۴۸۰ درهم

۳. ۵۰۰ درهم

۴. زره امیرالمؤمنین (علیه السلام) (که البته در قیمت آن اختلاف است)

۵. زره امیرالمؤمنین (علیه السلام) به همراه چند کالای دیگر

آنچه پس از بررسی صدوری و محتوایی روایات به نظر می رسد این است که براساس صحیحہ حماد بن عیسی (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱۰، ص ۷۰۷)، مهریه هیچ یک از زنان و دختران پیامبر بیش از ۱۲/۵ اوقیه (۵۰۰ درهم) نبوده است؛ بنابراین احتمال ۴۰۰ مثقال نقره (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۳۵۰) منتفی است.

همچنین روایات معتبری همچون مؤثقه ابن ابی یعفور دلالت دارند بر اینکه مهریه ی حضرت زهرا (علیها السلام)، زره امیرالمؤمنین (علیه السلام) به همراه چند کالای دیگر بوده است (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹، ج ۱۰، ص ۷۱۱)؛ بنابراین روایاتی که مهریه ایشان را ۴۸۰ (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۳۵۱) یا ۵۰۰ درهم (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۳۵۱) نقل

کرده‌اند، با مسامحه همراه بوده و ارزش مالی مهریه ایشان را ذکر کرده‌اند نه خود مهریه را.

اما اینکه قیمت زره ۴۰۰ درهم بوده و با اشیاء همراهش ۴۸۰ (بحرانی، ۱۴۱۳، ج ۱۱، ص ۴۵۵) یا ۵۰۰ درهم شده، یا قیمت زره ۴۸۰ درهم بوده و با کالاهای ضمیمه شده به ۵۰۰ درهم رسیده، و یا اصلاً مهریه ایشان به ۵۰۰ درهم نرسیده و ۴۸۰ درهم بوده است و با مسامحه ۵۰۰ درهم گفته شده، مطلبی است که نمی‌توان به‌طور جزئی تکلیف آن را مشخص کرد؛ چراکه هیچکدام از روایات این دسته، از صحت سند برخوردار نیستند.

از سوی دیگر، روایاتی که قیمت زره را ۴۰۰ درهم شمرده‌اند گرچه مشتمل بر رجال ضعیف و مهمل هستند، اما چون قیمت زره، مسئله‌ای نیست که انگیزه جعل در آن معنادار باشد، و این روایات نیز از شهرت روایی برخوردارند (اخطب خوارزم، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۳۴۳؛ دولابی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۹۴؛ طبری آملی، ۱۴۱۳، ص ۸۷)، می‌توان آن را بر سایر احتمالات ترجیح داد. فلذا این‌طور به نظر می‌رسد که مهریه‌ی بانوی دو عالم علیها السلام، زره مولانا امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است که به ۴۰۰ درهم به فروش رفته است و چند کالای دیگر نیز همراه آن کرده‌اند و نزدیک به ارزش مهرالسنة شده است.

اکنون اگر مهریه ایشان، دقیقاً مهرالسنة یا نزدیک به آن دانسته شود، آنگاه گفته می‌شود، رسول خدا صلی الله علیه و آله با مهریه حضرت زهرا علیها السلام که مهرالسنة بوده است، برای ایشان جهیزیه تهیه کردند و لیست اقلام خریداری شده موجود است و می‌توان با قیمت‌گذاری آنها، ارزش مهرالسنة در زمان حال را به دست آورد.

مؤتفه یعقوب بن شعیب (طوسی، ۱۴۱۴، ص ۴۰)، اقلام جهیزیه را این‌گونه نام می‌برد: «پیراهنی به بهای هفت درهم، چارقدی به چهار درهم، چادر مشکی بافت خیر، رخت خوابی بافته از برگ خرما، دو تشک که از کتان مصری رویه شده بود که یکی از لیف خرما و دیگری را از پشم گوسفند پر کرده بودند، چهار بالش از چرم طائف که از علف اذخر (گیاه مخصوصی است در مکه) پر شده بود، پرده‌ای پشمین، یک قطعه حصیر بافت هجر (مرکز بحرین آن زمان)، آسیاب دستی، طشت رختشویی مسی، مشکی برای

آب، کاسه‌ای بزرگ برای دوشیدن شیر، ظرف آب، ابریقی قیر اندود، سبوی بزرگ و سبز رنگ، و تعدادی کوزه گلی».

پیشنهاد راه اول این است که موارد مذکور در میان عشاير که به‌طور مثال هنوز از اينها استفاده می‌کنند قیمت شود، و مجموع قیمت آنها به‌عنوان قیمت جهیزیه‌ی حضرت زهرا عليها السلام لحاظ شود؛ همچنین برای محاسبه عطر خریداری شده که در برخی نقل‌ها آمده است (اخطب خوارزم، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۳۴۳)، می‌توان حجم شیشه‌های عطر موجود در موزه‌ها را اندازه‌گیری کرده و میانگین قیمت عطر را هم حساب کرد.

راه دیگری که ممکن است پیشنهاد شود اینست که معادل کارکردی آن اقلام محاسبه شود؛ مثلاً آسیاب دستی چه کارکردی داشته و اکنون معادل آن چیست؟ آیا آسیاب برقی یا دستگاه غذاساز می‌تواند معادل آن باشد؟ آنگاه قیمت اینها حساب شود. یا به‌جای زیرانداز قیمت یک فرش متوسط محاسبه گردد. یا به‌جای طشت رختشویی مسی، قیمت یک ماشین لباسشویی سطلی اضافه شود. یا به‌جای ظروف خریداری شده، ارزش یک سرویس آرکوپال در نظر گرفته شود. یا حتی می‌توان کارکرد اصل زره را نیز در نظر گرفت، و قیمت یک زره ضد گلوله یا یک زره ضد چاقو را حساب کرد.

اشکال اول: اقلامی که به‌عنوان جهیزیه نقل شده طبق روایت خوارزمی از ام سلمه و سلمان فارسی و امیرالمؤمنین عليه السلام (اخطب خوارزم، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۳۴۳) تنها با ۶۳ درهمی که رسول خدا صلی الله علیه و آله به ابوبکر داده بودند خریداری شده نه تمام مهریه! و باقی آن صرف خرید عطریات و پس‌انداز نزد ام سلمه شده است.

اشکال دوم: اقلام جهیزیه طبق روایت خوارزمی ۹ عدد، و طبق موثقه یعقوب بن شعیب (طوسی، ۱۴۱۴، ص ۴۰) ۱۶ عدد است. اما در همان روایت یعقوب بن شعیب که تعداد بیشتری را نام برده، می‌گویند: «فَكَانَ مِمَّا اشْتَرَوْهُ»، یعنی «از جمله چیزهایی که خریدند این موارد بود»! بنابراین بر فرض که بتوان قیمت این اجناس را هم حساب کرد، باز مشخص نیست مجموع اقلام چه چیزهایی بوده تا قیمت تمام آنها محاسبه شود.

اشکال سوم: اصلاً نمی‌توان با قیمت‌گذاری اشیاء خریده شده در جهیزیه، به ارزش

واقعی آنها (مهرالسّنة) در صدر اسلام دست یافت! چون هم فرآیند تولید لوازم، و هم کارکرد آنها تغییر کرده است!

فرآیند تولید پوشاک و لوازم منزل و تجهیزات نظامی در عصر کشاورزی، قابل مقایسه با عصر صنعتی نیست! از اواخر قرن هجدهم میلادی که عصر صنعتی جای عصر کشاورزی را گرفت، فرآیند تولید از حالت دستی، به تکیه بر ماشین آلات تغییر کرد و سرعت تولید افزایش یافته و هزینه‌ها کاهش پیدا کرد. به عنوان نمونه به برخی قیمت‌هایی که برای البسه نقل شده دقت کنید: زره عمرو بن عبدود هزار مثقال طلا (ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۲۳۹)، و قبا و ردای امام سجاد (علیه السلام) صد مثقال طلا (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱۳، ص ۳۹)، و پارچه کفن امام صادق (علیه السلام) چهل مثقال طلا! (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۲، ص ۵۳۸).

از سوی دیگر، کارکرد بسیاری از اشیاء نیز تغییر پیدا کرده است. مثلاً ظروف سفالی یا پوست گوسفند یا آسیاب دستی یا زره ... از وسایل رایج زندگی آن روز بوده که بدون برخی از آنها زندگی ممکن نبوده است در حالی که در زندگی امروزه جایگاهی ندارند. نتیجه اینکه وقتی منزلت اقتصادی چیزی تغییر کرده باشد، نمی‌توان آن را معادل‌یابی کرد. باید در پی چیزهایی گشت که منزلت اقتصادی خود را از دست نداده باشند تا بتوان نسبتی میان قیمت‌های زمان حال با صدر اسلام برقرار کرد.

۳-۲-۲. راه دوم: معادل‌سازی با طلا

چگونه ارزش ۵۰۰ درهم را در دل تاریخ محاسبه کنیم؟ چه چیزی می‌تواند این ارزش را برای ما حکایت کند؟ ارزش تمام کالاها در طول تاریخ براساس عرضه و تقاضا مشخص می‌شده و الآن نیز همین‌طور است. از میان مجموع اشیایی که با آنها سر و کار داریم، کدامیک بهتر از بقیه می‌توانند معیار ارزش‌سنجی برای سایر اشیاء قرار بگیرند؟

در طول تاریخ پول، آن کالایی که از آن برای ارزش‌سنجی سایر کالاها استفاده کرده‌اند، طلا و نقره بوده است؛ همان‌طور که امام صادق (علیه السلام) به مفضل بن عمر فرمودند: «فکر کن ای مفضل در این اشیایی که می‌بینی برای [رفع] نیازهای انسان در عالم خلق

شده است ... و طلا و نقره که برای داد و ستد [خلق شده‌اند] ...» (مجلسی، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۸۶). پس از آن پول کاغذی ایجاد شد که به‌عنوان سندی برای طلا و نقره ذخیره شده در خزانه استفاده می‌شد، تا در سال ۱۹۷۱م که ریچارد نیکسون رابطه دلار با طلا را قطع کرد، پول بدون پشتوانه (Fiat Currency) به وجود آمد. از آن زمان تمامی پول‌های رایج در دنیا، پول بدون پشتوانه هستند.^۱

طلا و نقره چند کارکرد داشتند: معیار سنجش ارزش سایر کالاها، ذخیره‌سازی ارزش و قدرت خرید، انتقال ارزش در داد و ستد، زینت، و برخی کارکردهای صنعتی. پس از تغییر نظام پولی، نقره سه کارکرد اصلی‌اش، معیار سنجش ارزش، ذخیره‌سازی ارزش و انتقال ارزش، را از دست داد و بیشتر کارکرد زینتی و صنعتی برای آن باقی ماند؛ اما طلا با اینکه به‌عنوان پول مطرح نیست، اما همچنان به‌عنوان ذخیره ارزش در بانک‌ها نگهداری می‌شود بدون آنکه رابطه ارزشی با پول اعتباری داشته باشد. به همین خاطر، نقره منزلت اقتصادی خودش را از دست داده و افت شدید قیمتی را تجربه کرده است، لکن طلا، ارزش و قدرت خرید خود را نسبتاً حفظ کرده است^۲ و لذا می‌توان ارزش مهرالسنة در صدر اسلام را براساس طلا محاسبه کرد؛ کما اینکه ارتکاز برخی از فقها نیز همین بوده و لذا مهرالسنة را به ۵۰ دینار برابرسازی کرده‌اند، بلکه برخی از فقها اساساً مهرالسنة را ۵۰ دینار دانسته‌اند بدون آنکه اسم ۵۰۰ درهم را بیاورند (تبریزی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۳۴۹). فارغ از بحث‌های تخصصی و فنی، حس عمومی مردم نیز چنین است که طلا ارزشش ثابت می‌ماند؛ و لذا بخش زیادی از مردم برای ذخیره‌سازی ارزش، ناخودآگاه به سراغ طلا می‌روند.

به‌عنوان شاهی بر حفظ قدرت خرید طلا می‌توان به قیمت گاو و گوسفند در صدر اسلام تاکنون اشاره کرد. گاو و گوسفند (همانند طلا) از منزلت اقتصادی پایداری برخوردار بوده‌اند؛ چراکه همیشه گوشت و شیر آنها به‌عنوان غذا، پشم و پوست آنها

1. https://en.wikipedia.org/wiki/Fiat_money

۲. این اصل موضوعه، از مشهورات است که قرائن و شواهد ملموس بسیاری دارد.

به عنوان پوشاک و زیرانداز، فضولات آنها به عنوان کود در کشاورزی مورد استفاده بوده و هست. قیمت هر گوسفند در صدر اسلام ۱ دینار و قیمت هر گاو ۵ دینار بوده است؛^۱ اکنون نیز با ۱ مثقال طلا می توان یک گوسفند تهیه کرد و قیمت گاو نیز حدود ۵ مثقال طلا است!

اشکال اول: گران شدن طلا

اولین اشکالی که به معیار قرار دادن «طلا» وارد می شود این است که فلز طلا نسبت به سایر کالاها به طور فزاینده ای گران شده است و نسبت قیمت آن با سایر اشیاء ثابت نمانده تا بتواند به عنوان معیار ارزش سنجی قرار گیرد.

پاسخ: پاسخ این اشکال در ذات پول اعتباری نهفته است. پول اعتباری که از هیچ خلق می شود! ذاتاً با تورّم عجین شده و روز به روز از ارزش آن کاسته می شود. به بیان دیگر، این پول اعتباری (بخوانید: ریال، دلار، ...) است که بسیار ارزش خود را از دست داده است، نه اینکه طلا بسیار گران شده باشد!

۱. این قیمت از برابری خصال دیه استفاده شده است.

از میان خصال دیه، حله یمنی مدرک روایی که به امام منتهی شود ندارد و دلیل آن اجماع است که دلیلی لئی است و طبیعتاً تنها شامل حله ای می شود که قیمت آن با سایر خصال دیه تناسب داشته باشد.

درباره ی نقره نیز پیش از این صحبت شد که منزلت اقتصادی خود را از دست داده است و نمی تواند حاکی از ارزش آن روزگار باشد.

شتر نیز برخی کارکردهای خود را از دست داده و ارزش آن کاهش شدید پیدا کرده است. پیش از این کارکرد شتر در زندگی روزمره شامل: نقل و انتقالات بین شهری، باربری، آب کشیدن از چاه، غذا، و پوشاک بوده است که در زمان حال بیشتر جنبه غذایی و تا حدودی پوشاکی آن پررنگ مانده است.

اما طلا و گاو و گوسفند (همان طور که اشاره شد) منزلت اقتصادی خودشان را از دست نداده اند و می بینیم که همچنان در یک محدوده قیمتی قرار دارند. البته باید توجه داشت که به دلیل مداخله دولت در قیمت ها، و یا عوامل دیگر، این نسبت میان قیمت ها گاهی تا حدودی تغییر می کند!

۱۰۰ شتر	۱۰۰۰۰ درهم	۱۰۰۰ گوسفند	۲۰۰ گاو	۱۰۰۰ دینار	خصال دیه:
۵ شتر	۵۰۰ درهم	۵۰ گوسفند	۱۰ گاو	۵۰ دینار	مهرالسنة:
۵۰۰۰۰۰۰	۹۸۸۰۰۰۰	۱۰۵۰۰۰۰۰۰	۱۲۰۰۰۰۰۰۰	۱۱۲۵۰۰۰۰۰	قیمت حدودی اردیبهشت ۱۳۹۸ به تومان:

در اینجا با نمونه‌هایی بررسی می‌شود که «طلا» بهتر می‌تواند ارزش واقعی اشیاء را نشان دهد یا «ریال»؟^۱

۱- حداقل دستمزد پایه در سال ۱۳۵۸ برابر با ۱۷۰۱ تومان (معادل ۱/۳ سکه) بوده که در سال ۱۳۹۹ به ۱۸۱۱۴۰۰ تومان (معادل ۰/۱۸ سکه) رسیده است. اگر با خط کش «ریال» به این جریان نگاه شود، دستمزد مردم، ۱۱۲۳ برابر شده است! اما اگر با خط کش «طلا» نگاه شود، دستمزد مردم، تقریباً یک هفتم شده است که به وجدان نزدیک‌تر است.

۲- قیمت پراید در اولین سال تولید، ۲۴۰۰۴۰۰ تومان (معادل ۱۲۱/۳ سکه) اعلام شد و اکنون در سال ۱۴۰۳ به حدود ۳۳۰۴۰۰۴۰۰ تومان (معادل ۸/۹ سکه) رسیده است. اگر با خط کش «ریال» به این قیمت نگاه شود، مطلوبیت پراید ۱۶۵ برابر شده است! اما اگر با خط کش «طلا» بررسی شود، مطلوبیت پراید نزد مردم ۱۳/۶ برابر کاهش یافته است! خارج شدن از خط تولید و قدیمی شدن پراید، نشان‌دهنده گزارش دقیق‌تر طلا است.

۳- میانگین قیمت مسکن، در سال ۱۳۵۷، حدوداً متری ۱۳۰۰ تومان (معادل ۳ سکه) بوده و در سال ۱۴۰۲ به حدود متری ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ تومان (معادل ۳/۲ سکه) رسیده است. اگر با خط کش «ریال» به این قیمت نگاه شود، ۷۷ هزار برابر گران شده! اما اگر با خط کش «طلا» بررسی شود، تفاوت چندانی پیدا نکرده است! یعنی در طول این سالها با حدود ۳ سکه، یک متر زمین در تهران می‌دادند! که با توجه به عدم تفاوت جدی در کارکرد زمین، امری معقول به نظر می‌رسد.

۴- قیمت چلو مرغ، در سال ۱۳۶۰، پرسی ۲۱ تومان (معادل ۰/۰۰۶ سکه) بوده و در سال ۱۴۰۳ به حدود پرسی ۱۲۰۴۰۰ تومان (معادل ۰/۰۰۳ سکه) رسیده است. اگر با خط کش «ریال» به این قیمت نگاه شود، ۵۷۱۴ برابر گران شده! اما اگر با خط کش «طلا» بررسی شود، قیمت آن نصف شده است! چرا؟ چون صنعت مرغداری روز به روز گسترش پیدا کرده و دسترسی مردم به آن آسان شده است.

۱. قیمت‌های سکه و سایر موارد این بخش، از جراید و خبرگزاری‌ها استخراج شده است.

بررسی این نمونه‌ها در اشیاء مختلف، تصویر واقعی‌تری از ارزش کالاها به دست ما می‌دهد و ملتفت می‌شویم که «ریال» نمی‌تواند ارزش واقعی اشیاء را برای ما حکایت کند و دید کاملاً اشتباهی نسبت به ارزش اشیاء به ما می‌دهد.

اشکال دوم: کم بودن مهریه حضرت زهرا (علیها السلام)

براساس روایت معتبری که حضرت زهرا (علیها السلام) به پدرشان فرمودند: «مرا با مهریه کم ارزشی به ازدواج در آوردی» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱۰، ص ۷۱۴)، ممکن است گفته شود که اساساً مهرالسنة، مبلغ اندک و ناچیزی بوده است؛ و این تناسب دارد با اینکه مهرالسنة از جنس نقره باشد؛ و الا اگر بنا باشد با طلا محاسبه کنیم مبلغ معتنا بهی می‌شود.

پاسخ اول: کم بودن مهرالسنة یک امر کاملاً نسبی است؛ یعنی نسبت به مهریه‌های دیگر، اندک بوده است؛ مبالغی همچون: هزار شتر (زمخشری، ۱۴۱۲، ج ۵، ص ۲۴۴؛ خوارزمی، ۱۴۱۸، ص ۴۸۸)، هزار مثقال نقره و هزار مثقال طلا (بکری، ۱۳۷۳، ص ۱۲۰)، چهار هزار درهم (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱۰، ص ۷۲۴)، ده هزار (درهم یا دینار) (أبو بکر البیهقی، ۱۴۲۴، ج ۷، ص ۳۸۱) شاهد مطلب آنکه امروزه اگر به کسی بگویید با حدود ۲۶ سکه^۱ ازدواج کرده‌ام، می‌گویند: خوش به حالت!

پاسخ دوم: روایتی وجود دارد که حتی اگر ضعیف باشد، دلالت بر قابل توجه بودن ارزش مهرالسنة می‌کند!^۲ در آنجا رسول خدا (صلی الله علیه و آله) درباره دخترشان حضرت زهرا (علیها السلام) می‌فرماید: مهریه‌ی او را ۵۰۰ درهم قرار می‌دهم، «ثُمَّ تَكُونُ سَنَةً فِي أَقْتِي مِنْ أَعْنَاهُمْ، وَ الْمَقْلُ مِنْهُمْ مَا تَرْضَايَا عَلَيْهِ» (خصیعی، ۱۴۱۹، ص ۱۱۲) که پس از این، سنت کسانی از امت من باشد که دارا هستند؛ و کسانی که تنگدست هستند، به هر مقدار که توافق کنند [صحیح است]. این عبارت نشان می‌دهد مهرالسنة، مقداری نبوده است که فقرا به راحتی توان

۱. طبق نتیجه این نوشتار میزان مهرالسنة ۲۱۴/۶۲۵ گرم طلای ۲۲ عیار است که با تقسیم آن به وزن سکه بهار آزادی که ۸/۱۳۳ گرم طلای ۲۲ عیار است به اندکی بیشتر از ۲۶ سکه می‌رسیم.
۲. چراکه این عبارت یا از معصوم صادر شده که مطلوب ثابت می‌شود؛ و یا جعل شده، که نشان می‌دهد در نگاه جاعل حدیث هم مهرالسنة مبلغ کمی نبوده است.

پرداخت آن را داشته باشند و لذا مبلغ اندکی نبوده و اگر اندک شمرده شده در قیاس با مهریه‌های گزاف آن روزگار بوده است.

پاسخ سوم: در آن زمان، ۵۰۰ درهم نقره، معادل ۵۰ دینار (مثقال) طلا، یا ۵۰ گوسفند، یا ۱۰ گاو، یا ۵ شتر بوده است^۱ که تمام اینها از کالاهای اساسی آن زمان بوده‌اند؛ بنابراین مهرالسنة به خودی خود، مبلغ کمی نبوده است و این از محکومات است و نمی‌توان با امور مشتبه و غیر قطعی از آن دست کشید.

پاسخ چهارم: شاید احساس کم بودن مهریه‌ی حضرت زهرا (علیها السلام) به خاطر این باشد که معادل جهیزیه‌ی بسیار ساده آن بانو تلقی می‌شود؛ در حالی که گفته شد جهیزیه‌ی حضرت زهرا (علیها السلام) با ۶۳ درهم از مهریه ایشان خریداری شده است. بر این اساس حتی اگر مهرالسنة را براساس ارزش طلا محاسبه کنیم، ارزش جهیزیه ایشان در حدود ۳/۵ سکه بهار آزادی می‌شود که معلوم نیست در زمان حال بشود با آن جهیزیه‌ای حتی بسیار ساده تهیه کرد.^۲

۴. محاسبه ارزش مهرالسنة در زمان ما

براساس مبانی پیشین، محاسبه ارزش (قدرت خرید) «۵۰۰ درهم» در صدر اسلام براساس راه دوم به این صورت خواهد بود: در صدر اسلام ارزش هر ۱۰ درهم برابر با ۱ دینار بوده است (مالک و دیگران، ۱۳۷۵، ص ۱۴۶)؛ بنابراین:

ارزش ۵۰۰ درهم شرعی = ارزش ۵۰ دینار (مثقال) طلا

$$۵۰۰ \text{ مثقال شرعی} \times \frac{۴}{۲۵} \text{ گرم} = \frac{۲۱۲}{۵} \text{ گرم طلا}^۳$$

۱. این نسبت سنجی از طریق برابری خصال دیه به دست آمده است.

۲. ۶۳ درهم برابر با ۱۲/۶ درصد از ۵۰۰ درهم است که این نسبت از ۲۱۴/۶۲۵ گرم طلای ۲۲ عیار، حدود ۳/۵ سکه بهار آزادی می‌شود.

۳. طبق نظر مشهور فقها در وزن مثقال شرعی، نتیجه ۱۷۲/۸ گرم طلا خواهد شد.

مطلب اول: عیار دینار

باید بدانیم که عیار دینارهای صدر اسلام چقدر بوده تا بتوان ارزش طلایی با همان درجه خلوص را محاسبه کرد.

طلای خالص به دلیل نرم بودن با فلزات دیگری همچون مس یا نقره یا ... ترکیب می‌شود. این ترکیب اگر بیش از مقداری باشد که برای استحکام این فلزات لازم است، غش یا ناخالصی به حساب می‌آید و کمتر از آن را عرفاً غش نمی‌گویند. با توجه به نقل‌های تاریخی درباره تأکید حکام بر خالص سازی سکه‌ها (الحسینی المازندرانی، ۱۴۰۸، ص ۲۷۷)، و بررسی عیار سکه‌های باقیمانده از آن دوران (النقشبندی، ۱۳۷۲، ص ۱۳)، این اطمینان حاصل می‌شود که سکه طلای با عیار ۲۲، عرفاً مغشوش دانسته نشده و می‌تواند معیار محاسبات شرعی قرار گیرد. اما نسبت به عیارهای پایین‌تر چنین اطمینانی به دست نمی‌آید. مثلاً طلای ۱۸ عیار که مشتمل بر ۷۵ درصد طلا می‌باشد با قیمتی نازل‌تر معامله می‌شود.

مطلب دوم: حق ضرب

آنچه تا اینجا محاسبه شد، ارزش ذاتی ۵۰ مثقال شرعی بوده و ارزش مسکوک بودن دینار محاسبه نشده است. اهل خبره (فهمی محمد، ۱۹۶۵، ص ۲۳۵؛ النقشبندی، ۱۳۷۲، ص ۱۶؛ الحسینی المازندرانی، ۱۴۰۸، ص ۶۱)، حق ضرب سکه را حدود یک درصد مشخص کرده‌اند، فلذا یک درصد به قیمت ۲۱۲/۵ گرم طلای ۲۲ عیار افزوده می‌شود.

مطلب سوم: سکه بهار آزادی

غالب آقایان فقها سکه بهار آزادی را مسکوک بسکه المعاملة (یعنی نقد رایج) به حساب نیاورده‌اند، فلذا حکم به عدم تعلق زکات کرده‌اند.^۱ بله اگر کسی سکه بهار

۱. آیت‌الله بهجت رحمه الله (بهجت، ۱۳۸۶، استفتاء ۳۲۱۸) و آیت‌الله نوری همدانی حفظه الله (نوری همدانی، ۱۳۸۸، ج ۲، استفتاء ۳۰۱) می‌فرمایند که زکات به سکه بهار آزادی هم تعلق می‌گیرد؛ لکن حسب جستجو، دیگر آقایان می‌فرمایند که زکات ندارد.

آزادی را طلای مسکوک به شمار بیاورد باید مهرالسنة را براساس آن محاسبه کند که البته دیگر اضافه کردن مبلغ حق ضرب سکه معنا نخواهد داشت.

نتیجه گیری

پول صدر اسلام در نظام دو فلزی، درهم و دینار بوده است که رابطه قیمی مشخصی با هم داشته‌اند و گاهی نیز این رابطه دستخوش تغییر می‌شده است. پس از برچیده شدن این نظام پولی، دیگر «درهم» معنا ندارد تا بتوان مهرالسنة را براساس آن محاسبه کرد؛ بنابراین باید معادل ارزش آن را در صدر اسلام به دست آورد. نقره که در ساخت درهم به کار می‌رفته ارزش خود را از دست داده و لکن طلا، که در ساخت دینار به کار می‌رفت تقریباً قدرت خرید خود را حفظ کرده است؛ بنابراین ارزش مهرالسنة در صدر اسلام براساس ارزش طلا محاسبه شد و این نتیجه به دست آمد که ارزش مهرالسنة در زمان ما عبارت است از: ۲۱۴/۶۲۵ گرم طلای ۲۲ عیار^۱ و الله العالم.

۱. طبق نظر مشهور فقها در وزن مثقال شرعی، نتیجه ۱۷۴/۵۲۸ گرم طلای ۲۲ عیار خواهد شد. گرچه اغلب اهل خیره وزن مثقال شرعی را ۴/۲۵ گرم مشخص کرده‌اند، اما از آنجا که برخی وزن مثقال شرعی را ۴/۲۶۵ گرم (النقشبندی، ۱۳۷۲، ص ۱۲) دانسته‌اند، اگر کسی بخواهد احتیاط کند، باید ۷۵۸ سوت به مقدار فوق اضافه کند.

فهرست منابع

* قرآن کریم، مصحف مدینه.

أبو بكر البیهقی، أحمد بن الحسین بن علی بن موسی. (۱۴۲۴). السنن الکبری (محقق: محمد عبدالقادر عطا). بیروت: دار الکتب العلمیة.

ابن اشعث، محمد بن محمد. (بی تا). الجعفریات (الأشعثیات). تهران: مكتبة النینوی الحديثة.
ابن زهره، حمزه بن علی. (۱۳۷۵). غنیة النزوع الی علمی الاصول و الفروع. قم: مؤسسة الإمام الصادق علیه السلام.

ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی. (۱۳۷۹). مناقب آل أبی طالب. قم: علامه.
ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین. (۱۴۰۵). عوالی اللثالی العزیزة فی الأحادیث الدینیة (محقق: مجتبی عراقی). قم: دار سید الشهداء.

ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۸۵). علل الشرائع. قم: مكتبة الداوری.
ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۳). من لا یحضره الفقیه (مصحح: علی اکبر غفاری). قم: مؤسسة النشر الإسلامی.

ابو الصلاح حلبی، تقی بن نجم. (۱۴۰۳). الکافی فی الفقه. اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیرالمومنین علی علیه السلام.

اخطب خوارزم، موفق بن احمد. (۱۴۱۱). المناقب. قم: مؤسسة النشر الإسلامی.

الحسینی المازندرانی، السید موسی. (۱۴۰۸). تاریخ النقود الاسلامیة. بیروت: دار العلوم.

النقشبندی، السید ناصر. (۱۳۷۲). الدینار الاسلامی فی المتحف العراقی. بغداد: مطبعة الرابطة.

بحرانی، عبد الله بن نور الله. (۱۴۱۳). عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال (ج ۱۰، محقق: محمدباقر موحد ابطحی اصفهانی). قم: مؤسسة الإمام المهدي علیه السلام.

بکری، احمد بن عبد الله. (۱۳۷۳). الأنوار فی مولد النبی محمد صلی الله علیه و آله. قم: الشریف الرضی.

- بلاذری، احمد بن یحیی. (۱۹۸۸). فتوح البلدان. بیروت: دار و مكتبة الهلال.
- بهجت، محمد تقی. (۱۳۸۶). استفتاءات. قم: دفتر آیت الله العظمی محمد تقی بهجت.
- تبریزی، جواد. (۱۳۸۵). استفتاءات (تبریزی). قم: سرور.
- خصیبی، حسین بن حمدان. (۱۴۱۹). الهدایة الكبرى. بیروت: مؤسسة البلاغ.
- خوارزمی، محمد بن عباس. (۱۴۱۸). مفید العلوم و مبدء الهموم. بیروت: المكتبة العصرية.
- درهم. (بی تا). در دانشنامه جهان اسلام.
- دولابی، محمد بن احمد. (۱۴۱۸). الذریة الطاهرة (محقق: محمدجواد حسینی جلالی). قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
- دینار. (بی تا). در دانشنامه جهان اسلام.
- رمضانی، اعظم؛ صفری فروشانی، نعمت الله؛ و حیدری، عباسعلی. (۱۳۹۷). بررسی و تحلیل مهریه دختران پیامبر. تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ۹ (۳۲)، صص ۷۳-۱۰۲.
- زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۱۲). ربیع الأبرار و نصوص الأخبار. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- سلار دیلمی، حمزه بن عبد العزیز. (۱۴۰۴). المراسم فی الفقه الامامی. قم: منشورات الحرمین.
- شبییری زنجانی، موسی. (۱۴۱۹). کتاب نکاح. قم: موسسه پژوهشی رای پرداز.
- شفیعی سروستانی، ابراهیم. (۱۳۹۶). درهم و دینار در فقه و حقوق اسلامی. فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۵۰ (۱)، صص ۱۰۵-۱۲۳.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۰). الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (کلاتر). بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- طبری آملی، محمد بن جریر. (۱۴۱۳). دلائل الإمامة (پدیدآور: مؤسسة آل البيت علیه السلام للاحیاء التراث). قم: موسسه البعثة، قسم الدراسات الإسلامية.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۷). تهذیب الأحکام (مصحح: حسن خراسان). تهران: دار الکتب الإسلامية.

- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴). الأملی. قم: دار الثقافة.
- علم الهدی، علی بن حسین. (۱۴۱۵). الانتصار. قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
- فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله. (۱۳۷۳). كنز العرفان فی فقه القرآن. تهران: مرتضوی.
- فهمی محمد، عبدالرحمن. (۱۹۶۵). فجر السكة العربية. مصر: مطبعة دار الكتب.
- قطب راوندی، سعید بن هبة الله. (۱۴۰۵). فقه القرآن. قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله.
- قمی، علی بن محمد. (۱۳۷۹). جامع الخلاف و الوفاق بین الامامیه و بین ائمه الحجاز و العراق. قم: زمینه سازان ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه.
- کاشف الغطاء، احمد. (۱۴۲۳). سفینه النجاه و مشکاة الهدی و مصباح السعادات. نجف: مؤسسه کاشف الغطاء العامة.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۲۹). الکافی. قم: دار الحديث.
- مالک، محمدرضا؛ میر معزی، سید حسین؛ موسویان، سید عباس؛ فراهانی فرد، سعید؛ و یوسفی، احمد علی. (۱۳۷۵). پول و نظامهای پولی. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۳۶۸). بحار الأنوار. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۸۹). تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث. قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحديث، سازمان چاپ و نشر.
- مسلم بن حجاج نیشابوری. (۱۴۱۲). صحیح مسلم (مصحح: محمد فؤاد عبدالباقي). قاهره: دار الحديث.
- مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳). المقنعة. قم: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد.
- موسوی خمینی، سید روح الله. (۱۴۳۶). دلیل تحریر الوسيلة (النکاح). (پدیدآور: علی اکبر سیفی مازندرانی). قم: مؤسسة تنظیم و نشر آثار الإمام الخميني رحمته الله.
- نسائی، احمد بن علی. (۱۴۱۱). السنن الكبرى. بیروت: دار الكتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.

نوری همدانی، حسین. (۱۳۸۸). هزار و یک مسئله فقهی (مجموعه استفتائات). قم: مهدی موعود.

یوسفی، احمد علی. (۱۳۸۰). تحلیل تاریخی تورم و کاهش ارزش پول. اقتصاد اسلامی، ۱(۲)، صص ۱۲۹-۱۰۳.

References

* The Holy Quran

- Allam al-Huda, A. H. (1995). *Al-Intisar*. Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
- Abu al-Salah al-Halabi, T. N. (1983). *Al-Kafi fi al-fiqh*. Isfahan: Imam Amir al-Mu'minin Public Library. [In Arabic]
- Akhtab Khwarazm, M. A. (1990). *Al-Manaqib*. Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
- Al-Baladhuri, A. Y. (1988). *Futuh al-buldan*. Beirut: Dar wa Maktabat al-Hilal. [In Arabic]
- Al-Beyhaqi, A. A. H. M. (2003). *Al-Sunan al-Kubra* (M. A. Ata, Ed.). Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya. [In Arabic]
- Al-Husayni al-Mazandarani, M. (1987). *Tarikh al-nuqud al-islamiyya*. Beirut: Dar al-'Ulum. [In Arabic]
- Al-Naqshbandi, N. (1993). *Al-dinar al-islami fi al-mat-haf al-'Iraqi*. Baghdad: Rabita Press. [In Arabic]
- Al-Nasa'i, A. A. (1990). *Al-Sunan al-Kubra*. Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyya, Muhammad Ali Baydun Publications. [In Arabic]
- Al-Zamakhshari, M. 'U. (1991). *Rabi' al-abrar wa nusus al-akhbar*. Beirut: Al-A'lami Publishing. [In Arabic]
- Bahjat, M. T. (2007). *Istifta'at*. Qom: Office of Ayatollah al-'Uzma Muhammad Taqi Bahjat. [In Persian]
- Bahrani, A. N. (1992). *'Awalim al-'ulum wa al-ma'arif wa al-ahwal* (Vol. 10, M. M. Abtahi Isfahani, Ed.). Qom: Imam Mahdi Foundation. [In Arabic]
- Bakri, A. A. (1994). *Al-Anwar fi mawlid al-Nabi Muhammad*. Qom: Al-Sharif al-Radi. [In Arabic]
- Dinar. (n.d.). In *The Encyclopaedia of the Islamic World*. [In Persian]
- Dirham. (n.d.). In *The Encyclopaedia of the Islamic World*. [In Persian]

- Dulabi, M. A. (1997). *Al-Dhurriyya al-tahira* (M. H. Jalali, Ed.). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
- Fadil al-Miqdad, M. A. (1994). *Kanz al-'irfan fi fiqh al-Qur'an*. Tehran: Mortazavi. [In Arabic]
- Fahmi Muhammad, 'A. R. (1965). *Fajr al-sikka al-'arabiyya*. Egypt: Dar al-Kutub Press. [In Arabic]
- Ibn Abi Jumhur, M. Z. (1985). *'Awali al-la'ali al-'aziziyya fi al-ahadith al-diniyya* (M. 'Iraqi, Ed.). Qom: Dar Sayyid al-Shuhada. [In Arabic]
- Ibn Ash'ath, M. M. (n.d.). *Al-Ja'fariyyat (al-Ash'athiyyat)*. Tehran: Maktabat al-Naynawa al-Haditha. [In Arabic]
- Ibn Babawayh, M. A. (1966). *'Ilal al-sharayi'*. Qom: Maktabat al-Dawari. [In Arabic]
- Ibn Babawayh, M. A. (1992). *Man la yahduruhu al-faqih* (A. Ghafari, Ed.). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
- Ibn Shahr Ashub Mazandarani, M. A. (2000). *Manaqib Al Abi Talib*. Qom: Allama. [In Arabic]
- Ibn Zuhrah, H. A. (1996). *Ghuniyat al-nuzu' ila 'ilmay al-usul wa al-furu'*. Qom: Imam Sadiq Institute. [In Arabic]
- Kashif al-Ghita', A. (2002). *Safinat al-najah wa mishkat al-huda wa misbah al-sa'adat*. Najaf: Kashif al-Ghita' Al-Amat. [In Arabic]
- Kharazmi, M. A. (1997). *Mufid al-'ulum wa mubeed al-humum*. Beirut: Al-Maktaba al-'Asriyya. [In Arabic]
- Khasibi, H. H. (1998). *Al-Hidaya al-kubra*. Beirut: Al-Balagh Foundation. [In Arabic]
- Kulayni, M. Y. (2008). *Al-Kafi*. Qom: Dar al-Hadith. [In Arabic]
- Majlesi, M. B. (1989). *Bihar al-anwar*. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi. [In Arabic]
- Malik, M. R., Mir Mo'ezzi, S. H., Mousavian, S. A., Farahani-Fard, S., & Yousefi, A. (1996). *Money and monetary systems*. Qom: Islamic Propagation Office. [In Persian]

- Mofid, M. M. (1992). *Al-Muqni'a*. Qom: The International Conference for the Millennium of Shaykh al-Mufid. [In Arabic]
- Mohammadi Reyshahri, M. (2010). *Family consolidation from the perspective of the Qur'an and Hadith*. Qom: Dar al-Hadith Scientific Cultural Institute, Publishing and Printing Organization. [In Persian]
- Mousavi Khomeini, R. (2014). *Dalil Tahrir al-Wasila (al-nikah)* (A. Seifi Mazandarani, Ed.). Qom: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]
- Muslim ibn Hajjaj. (1991). *Sahih Muslim* (M. F. Abdul-Baqi, Ed.). Cairo: Dar al-Hadith. [In Arabic]
- Nouri Hamadani, H. (2009). *One Thousand and One Jurisprudential Issues (Collection of Istifta'at)*. Qom: Mahdi Maw'ud. [In Persian]
- Qummi, A. M. (2000). *Jami' al-khilaf wa al-wifaq bayn al-Imamiyya wa bayn A'immat al-Hijaz wa al-'Iraq*. Qom: Zaminah Sazan Zuhur Imam 'Asr. [In Arabic]
- Qutb Rawandi, S. H. (1985). *Fiqh al-Qur'an*. Qom: Public Library of Ayatollah al-'Uzma Mar'ashi Najafi. [In Arabic]
- Ramazani, A., Safari Foroushani, N., & Heydari, A. (2018). A study and analysis of the dowries of the Prophet's daughters. *History of Islamic Culture and Civilization*, 9(32), pp. 73–102. [In Persian]
- Sallar Daylami, H. A. (1984). *Al-Marasim fi al-fiqh al-imami*. Qom: Manshurat al-Haramayn. [In Arabic]
- Shafi'i Sarustani, I. (2017). Dirham and dinar in Islamic law and jurisprudence. *Fiqh wa Mabani-ye Huquq-e Islami*, 50(1), pp. 105–123. [In Persian]
- Shahid-e Thani, Z. A. (1990). *Al-Rawdah al-bahiyya fi sharh al-Lam'a al-Dimashqiyya* (Kalanter). Beirut: Al-A'lami Pulications. [In Arabic]
- Shobeyri Zanjani, M. (1998). *Kitab al-nikah*. Qom: Ray Pardaz Research Institute. [In Persian]
- Tabari Amoli, M. J. (1992). *Dala'il al-imama* (Al al-Bayt Institute for the Revival of Heritage, Ed.). Qom: Al-Ba'thah Institute, Islamic Studies Department. [In Arabic]

- Tabrizi, J. (2006). *Istifta'at (Tabrizi)*. Qom: Surur. [In Persian]
- Tusi, M. H. (1986). *Tahdhib al-ahkam* (H. Khersan, Ed.). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya. [In Arabic]
- Tusi, M. H. (1994). *Al-Amali*. Qom: Dar al-Thaqafa. [In Arabic]
- Yousefi, A. A. (2001). A historical analysis of inflation and devaluation. *Islamic Economics*, 1(2), pp. 103–129. [In Persian]